

بازتاب گفتمان فضای باز سیاسی ایالات متحده امریکا در فضای سیاسی ایران (۱۹۷۸-۱۹۷۷)

سید هادی موسوی^۱
مرتضی دهمقان‌نژاد^{۲*}
علی اکبر جعفری^۳

چکیده

هنگامی که محمدرضا پهلوی در نیمه دوم سال ۱۳۵۵ از سوی محافل بین‌المللی و داخلی برای کاهش جو اختناق تحت فشار قرار گرفت، مجبور شد دست به اقدامات و اصلاحاتی بزند، اعلام فضای باز سیاسی در ایالات متحده امریکا توسط کارتر و انتصاب جمشید آموزگار به نخست‌وزیری در مرداد سال ۱۳۵۶ محصول این شرایط بود. روشن ساختن ابعاد این گفتمان جدید، آن هم بعد از سال‌ها فضای بسته سیاسی، نیازمند تامل در زمینه‌ها و مولفه‌های ایجاد شده آن در بستر زمانی مورد نظر پژوهش است. یکی از مهمترین مراجع برای تشخیص و شناسایی ویژگی‌های گفتمان فضای باز سیاسی، روزنامه اطلاعات و رویکرد آن در قبال تحولات و زمینه‌های گفتمان جدید است. سوال اصلی این تحقیق عبارت از این که گفتمان فضای باز سیاسی ایالات متحده امریکا چه بازتابی در دوره نخست‌وزیری جمشید آموزگار داشت؟ روش این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد که پس از توصیف مطالب به تجزیه و تحلیل اطلاعات اقدام خواهد شد. نتایج یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که به دنبال اعلان فضای بازسیاسی از سوی کارتر رئیس جمهوری وقت امریکا محمدرضا شا هم اقداماتی در راستای جلب نظر امریکا انجام داد. انقلاب شاه و مردم، حزب رستاخیز، مشارکت مردم، آزادی بیان و قلم، حقوق بشر و آزادی فعالیت احزاب سیاسی، از شاخصه‌های گفتمان فضای باز سیاسی در روزنامه اطلاعات بود و به‌مثابه گره‌گامی بودند که گفتمان فضای باز سیاسی آن مفصل‌بندی شده است.

واژگان کلیدی: گفتمان فضای باز سیاسی، دوره پهلوی، روزنامه اطلاعات، جمشید آموزگار

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول).

* m.dehghan@Itr.ui.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۸

مقدمه

قدرت سیاسی حاکم در دوره رژیم پهلوی، دارای ایدئولوژی مشخصی بود. رژیم، برای مشروعیت‌دهی به استیلای خود همه ابزارهای قدرت به ویژه رسانه‌های عمومی را در انحصار داشت. اما دوران طولانی خفقان و استبداد بالاخره با اعلام فضای باز سیاسی، در اواخر سال ۱۳۵۵، دگرگون شد. رویدادی که زمینه‌ساز آغاز گشایش‌های سیاسی محدود در جامعه ایران گردید. اما این تحولات در همه شئون حیات جامعه انعکاس یافت و حتی بر شکل، حوزه معنایی و میزان کارکرد واژه نیز تأثیرات خود را برجای گذاشت. به طوری که اندیشه‌ها و نگرش‌های تازه بر آمده از این تغییرات را می‌تواند مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. از این رو، مطالعه و بررسی کارکردهای گفتمانی به منظور درک ویژگی‌های فکری در بستر تاریخی قابل توجیه است. مطبوعات و زبان مطبوعاتی از جمله شاخص‌های گویا برای فهم زبان در بافت اجتماعی تاریخی هستند که می‌توانند گفتمان‌های رایج اجتماعی را در هر دوره تاریخی منعکس نمایند. با مطالعات متون مطبوعاتی و کشف ویژگی‌های زبانی آنها می‌توان به تمایزهای گفتمانی سیاسی و فرهنگی هر دوره پی‌برد، به این سبب بررسی گفتمان روش مناسبی است که سطوحی از خصلت‌های زبانی مطبوعات را نشان می‌دهند (خانیک، ۱۳۷۷: ۲۴۵). گفتمان فضای باز سیاسی به دلیل نقش بسترسازی که در تحولات منتهی به انقلاب اسلامی داشت، پایه و اساس رویدادهای مهم بعدی بود، که اهمیت این موضوع را افزون می‌کند. از این رو، بررسی این گفتمان در روزنامه اطلاعات، به عنوان یکی از کاربران گفتمان فضای باز سیاسی، مسئله اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد. درباره پیشینه تحقیق شایان ذکر است هر چند در مورد تحولات سیاسی ایران و دوره نخست‌وزیری آموزگار مقالات و کتبی تدوین شده اما درباره موضوع حاضر آن هم با تکیه بر روزنامه اطلاعات پژوهشی مستقل صورت نگرفته است. بنابراین، این مقاله با تکیه بر آرشیو روزنامه اطلاعات و منابع دست اول و با روش بررسی مقالات و مطالب آن، به بررسی مسئله اصلی پژوهش پرداخته است. شایان ذکر است، در این مقاله سعی کرده‌ایم که خود را محدود به رویکرد خاص نکرده ولی در عین حال از نظریه گفتمان لاکلا و موفه، بهره گیریم که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۱. رهیافت تحلیلی گفتمان

گفتمان در لغت به چند معنی آمده است: مباحثه و مجادله، مسیر و جریان و راه و روش، گفتگو و مکالمه، عمل، قانون، نماد، قدرت، توان و استعداد تفکر و... اما این واژه همین که وارد متون تخصصی می‌شود و مفهوم اصطلاحی به خود می‌گیرد، پیچیده‌تر و گسترده‌تر می‌شود. امیل بن ونیتس از زاویه زبان‌شناسی به این کلمه نظر انداخته است. طبق گفته او، گفتمان را باید از زاویه «ارتباطات اجتماعی» در نظر گرفت. از این دیدگاه، گفتمان سبب «عینیت بخشیدن» به واژه‌ها می‌شود، یا به بیان دیگر وجود عینی آنها برای ما درک می‌شود (امینی، ۱۳۹۰: ۴۸). هدف گفتمان، آشکار ساختن قانونمندی‌های حاکم بر فرایند تولید معنا در عرصه حیات اجتماعی است (لاکلا، ۱۳۷۷: ۳۹). در واقع گفتمان، مقوله یا جریانی اجتماعی است؛ به تعبیر بهتر، گفتمان جریان و بستری است دارای زمینه اجتماعی که اظهارات، مطالب بیان شده، گزاره‌ها و قضایای مطرح شده و معانی آن بستگی به این دارد که کجا، کی، چگونه، به وسیله چه کسی، صورت گرفته باشد (مک دانل، ۱۳۷۷: ۲۷).

در واقع گفتمان‌ها مجسم‌کننده معنا و ارتباط اجتماعی، شکل‌دهنده ذهنیت و نیز ارتباط اجتماعی-سیاسی است (یحیایی، ۱۳۸۹: ۶۰). در این پژوهش لازم به تعریف مفصل‌بندی هستیم. در پرتو این تعریف است که می‌توان مفهوم گفتمان و گره‌گاه را در مراحل مختلف تحلیل کرد. در واقع، هر عملی که میان عناصر پراکنده در یک گفتمان ارتباط برقرار کند، به نحوی که هویت این عناصر اصطلاح و تعدیل شود، مفصل‌بندی نامیده می‌شود. معنای بعضی نشانه‌ها به واسطه مفصل‌بندی گاه آنچنان رایج و مرسوم می‌شود که از نظر ما کاملاً طبیعی جلوه می‌کند. از این دید تعریف مفصل‌بندی و گفتمان به هم وابسته‌اند (صدرایی، ۱۳۹۷: ۱۷۹). از نظر لاکلا و موفه، هر عملی که منجر به برقراری رابطه‌ای بین عناصر شود، به نحوی که هویت این عناصر، در نتیجه عمل مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود، مفصل‌بندی است (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵: ۱۰۵). مفصل‌بندی در واقع میان عناصر و دال‌های پراکنده در یک گفتمان ارتباط برقرار می‌کند و به آنها هویت جدیدی می‌بخشد. مفهوم مفصل‌بندی نقش مهمی در نظریه گفتمان دارد. عناصر متفاوتی که جدا از هم شاید بی‌مفهوم باشند، وقتی در کنار هم در یک قالب

گفتمان گرد می‌آیند، هویت نویی را کسب می‌کنند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۷۳). اما، به شخص، یا مفهومی که سایر دال‌ها حول آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند، کانون، گره‌گاه یا دال مرکزی می‌گویند. این دال، دال‌های دیگر را شارژ می‌کند و آنها را در قلمرو و جاذبه معانی خود نگه می‌دارد. کل نظام معنایی یک گفتمان بر حول دال مرکزی استوار است (خلجی، ۱۳۸۶: ۵۴). دال مرکزی، نقطه کلیدی و هویت‌بخش در یک گفتمان است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کند و با هم مفصل‌بندی می‌شوند (بهروزلک، ۱۳۸۶: ۳۸). در این مقاله از منظر رهیافت تحلیلی گفتمان به آثار سیاست فضای باز سیاسی ایالات متحده بر تحول سیاسی ایران در سالهای ۱۹۷۷ الی ۱۹۷۸ پرداخته می‌شود.

۲. بازتاب فضای باز سیاسی در روی کارآمدن جمشید آموزگار

محمدرضا شاه که رویای تمدن بزرگ را در سر داشت از اواسط سال ۱۳۵۵، با اتفاقات تازه‌ای که در شرف تکوین بود، روبرو شد. در این سال، سازمان عفو بین‌المللی که در گذشته بیشتر به مسائل و مشکلات زندانیان سیاسی بلوک شرق می‌پرداخت، به سراغ کشورهای غیرکمونیس‌ت رفت و گزارش داد که ایران یکی از بزرگترین نقض‌کنندگان حقوق بشر در جهان است. نهاد محافظه‌کارتر، کمیسیون بین‌المللی قضات، حکومت را به شکنجه دادن زندانیان و نقض حقوق مدنی شهروندان متهم کرد. همچنین کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر، در نامه‌ای به شاه، حکومت را به نقض شدید حقوق بشر متهم ساخت و از شاه خواست تا وضعیت اسفناک حقوق بشر را در ایران اصلاح کند (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۶۱۵). از این رو، فشارهای جهانی بر ایران، برای کاهش کنترل پلیسی در جامعه آغاز گردید. این فشارها زمانی به اوج خود رسید که در سال ۱۳۵۵، جیمی کارتر، در مبارزات انتخاباتی خود از ایران به عنوان یکی از کشورهای نام برد که آمریکا بایستی جهت حفظ حقوق بشر در آن اقدام نماید.

از نیمه دوم سال ۱۳۵۵ به بعد حکومت شاه مدام در برابر انتقاد فزاینده کمیته‌ها و مجامع طرفدار حقوق بشر و نیز مطالب تند مطبوعات خارجی قرار گرفت، این شرایط باعث شد وجاهت و مشروعیت حکومت زیر سؤال برود. در داخل کشور نیز، همزمان با

اعلام فضای باز سیاسی یک تحول چشمگیری هم در زمینه انتشار مقالات انتقادآمیز در روزنامه‌ها و صدور نامه‌های سرگشاده از سوی نویسندگان، دانشگاهیان و احزاب ایجاد شد. این نامه‌ها، تند و حاوی انتقاد از سیاست‌های دولت و سپس از شاه کشیده شد و به منابر و مساجد نیز سرایت نمود. دستگاه امنیتی رژیم هم در برابر این اعتراضات سکوت نموده بود و همین امر منجر به شدت یافتن و گسترش دامنه اعتراضات می‌شد (شکری، ۱۳۸۸: ۷۵). این مسائل موجب شد نیاز به ارائه چهره دمکراتیک و فضایی باز از حیث سیاسی و امنیتی به یکی از چالش‌های حکومت در عرصه داخلی و بین‌المللی تبدیل شود. برای مقابله با این تهدید سلسله اقداماتی در دستور کار حاکمیت قرار گرفت، از جمله آن‌ها انتصاب آموزگار به عنوان چهره نزدیک به آمریکا و تامین کننده فضای باز سیاسی مدنظر شاه بود.

۳. انقلاب شاه و مردم

یکی از شاخص‌های گفت‌وگوهای فضا باز سیاسی در زمان نخست‌وزیری آموزگار، تبلیغات مجدد در خصوص موفقیت‌های طرح‌های انقلاب شاه و مردم بود. روزنامه اطلاعات در صدد بود که با در راستا قرار دادن پیشرفت‌های کشور در خطوط و برنامه‌های انقلاب شاه و مردم در حیطه‌های مختلف، آن را با دمکراسی مد نظر رژیم با رابطه‌ای معنادار؛ پیوند دهند، و در جهت فضای باز سیاسی و مصالح مردم معرفی کنند. به طوری که، انقلاب شاه و مردم را به دموکراسی در حد والایش توصیف کرده و آن را به معنی پیشرفت ایران و ایرانی در قالب آغاز انقلاب سفید تا زمان حاضر باز تعریف کرد. از این رو، اطلاعات در جهت موفقیت و میزان تأثیرات انقلاب شاه و مردم بر این مدعا بود، اهمیت این انقلاب در حیات اجتماعی و اقتصادی از زمان اجرای آن، تا کنون برای همه قابل رأیت و کاملاً ملموس است. هنگامی که جمشید آموزگار در دومین روز نخست-وزیری جهت معرفی کابینه به نزد شاه رفت.

شاه، او و هیئت جدید دولت را مکلف ساخت تا دو اصل تازه در راستای گفت‌وگوهای فضا باز بر دیگر منشورهای قبلی که تا آن زمان به عدد ۱۷ رسیده بود، یعنی دو اصل، هیچ‌کدام یا تثبیت بهای زمین و اصل نوزده در رابطه با کنترل دارایی مقامات عالی

دولتی، بيفزايد. روزنامه اطلاعات با سرمقاله‌ای تحت عنوان «نیروی تازه، راه تازه» ضمن برشماری دستورالعمل‌ها گذشته آن را رهنمود شاه به دولت جدید، دانست. اطلاعات با تاکید بر اصولی بودن انقلاب سفید از گذشته تا زمان حال، طرح‌ریزی این انقلاب را در راستای به هدف رساندن آرمان‌های ملی و رفاه هرچه بیشتر مردم قلمداد می‌کند. لذا اجرای این دو اصل تازه از اصول انقلاب شاه و مردم را وظیفه سنگین دولت خواند که می‌بایست، در «راه مردم» تحقق یابد (اطلاعات، ۱۷ مرداد ۱۳۵۶: ۶). این در حالی بود که شاه از سال ۱۳۴۱ و به تصویب رساندن اصول معروف به انقلاب شاه و ملت، مرتباً و بدون موازین قانونی و امکانات مالی و اجتماعی، اصولی بر منشور انقلاب خود می‌افزود (عاقلی، ۱۳۷۴: ۱۰۹۷). این دو اصل ظاهراً برای جلب رضایت مردم و همزمان و در راستای فضای باز سیاسی وضع شد.

همزمان با سال روز انقلاب شاه و ملت در ششم بهمن ۱۳۵۶، روزنامه اطلاعات، با بزرگ‌نمایی و انعکاس وسیع راهپیمایی آن را تظاهرات عظیم و یکپارچه صدها هزار نفر در سراسر کشور خواند. اطلاعات در تفسیر خود این حرکت را، رستاخیز ملت ایران و نشانه‌ای روشن از تایید همگانی شرکت‌کنندگان نسبت به مسیری است که با رهنمود شاه، طی پانزده سال پیش برگزیده شده است. روزنامه اطلاعات در جای دیگر، از انقلاب شاه و ملت با عنوان بسیج نیروها، یاد می‌کند و معتقد است، مردم طی پانزده سال گذشته از عمر آن، تایید و حمایت کاملی از اصول انقلاب داشته‌اند و دلیل آن را موفقیت انقلاب طی این سال‌ها دانست. اطلاعات اما مرحله بعدی را فضای باز جدید یا مرحله دوم خطاب کرد. اطلاعات بر این باور بود، پیروزی در این راه تنها مستلزم بسیج همه جانبه امکانات و نیروها و ارزش‌ها و منافع ملی است.

از سوی دیگر، این روزنامه، اعطای آزادی‌های سیاسی در فضای باز را در پرتو و چارچوب انقلاب شاه و مردم ارزیابی کرد و مدعی شد، انقلاب شاه و ملت را با توجه به گفتمان فضای باز سیاسی، در مسیر تکامل تاریخی جامعه به عنوان آغاز یک تحول و تجلی دموکراسی سیاسی است. اطلاعات، هدف و روح انقلاب شش بهمن سال ۱۳۴۱ یعنی زمان اعلام آن تا هنگام اعلام گفتمان فضای باز سیاسی در سال ۱۳۵۶، طرحی در راه رسیدن به دموکراسی اقتصادی و عدالت اجتماعی تشریح کرده که با اعلام

فضای باز مرحله دوم انقلاب شروع می‌شود و آن نقطه کمال دموکراسی سیاسی است. بر این اساس، مسئولیت تاریخی این انقلاب را در گرو عبور از دموکراسی اقتصادی و عدالت اجتماعی تلقی نموده که در غایت خود به دموکراسی سیاسی منجر شده است و اگر چنین با موفقیت و برنامه‌ریزی دقیق در راه توسعه و پیشرفت حرکت نمی‌کرد دستاوردها و حتی موجودیت انقلاب به چالش کشیده می‌شد.

۴. بازتاب فضای باز سیاسی در حزب رستاخیز

با تصمیم شاه مبنی بر ایجاد نظام تک حزبی، حزب ایران نوین و حزب مردم، در این حزب نو پا ادغام شدند. شاه در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۵۳ طی کنفرانسی رادیو-تلویزیونی، تشکیل حزب واحد رستاخیز را اعلام کرد. او در توجیه این ادغام، گفت: چون ایران در سیر شتاب‌آمیز پیشرفت قرار دارد، نیازمند استفاده از همه امکانات است، حزب واحد ملی این فرصت را در اختیار همه قرار می‌دهد که در سیر پیشرفت ایران سهیم باشند (پهلوی، ۱۳۵۵: ۲۰۲). بر این اساس، هنگامی که دولت آموزگار، گفتمان فضای باز سیاسی را اعلام کرد؛ نظریه‌پردازان حزب معتقد بودند، با بازنگری در عملکرد و فعالیت‌های حزب رستاخیز در آستانه فضای باز، می‌توان فعالیت‌های سیاسی جامعه را در جهت اهداف حزب به کار گرفته و از آن بهره‌برداری کرد (نجاتی، ۱۳۷۱: ۱۹/۲). با انتصاب آموزگار به نخست‌وزیری، او که دبیر کل پیشین حزب بود از سمت خود استعفا داد و محمد باهری معاون وزیر دربار، از سوی شاه به دبیرکلی حزب منصوب شد. حزب رستاخیز دو جناح داشت، هوشنگ انصاری، عهده‌دار جناح سازنده و عبدالمجید مجیدی، جناح مترقی را رهبری می‌کرد.

روزنامه اطلاعات، با توجه به اهمیت حزب رستاخیز به عنوان حزبی واحد برای رژیم و معرفی دبیر کل جدید حزب، رابطه‌ای متقابل این دو را مکمل یکدیگر ارزیابی کرد. اطلاعات در ادامه، این ارتباط را مستلزم و نشان دهنده لزوم حرکت بی‌وقفه حزب رستاخیز و دبیر کل جدید در مسیر بیانات شاه و اهداف عالی نظام کشور قلمداد می‌کند. از این زاویه، روزنامه عقیده داشت، با توجه به اهداف نظام و دو جناح بودن حزب، حزب رستاخیز نباید به صورت جبهه در آید و تفکر مبارزه بر سر دستیابی به قدرت

جایی در چارچوب حزبی واحد داشته باشد. بر اساس دیدگاه اطلاعات، وظیفه جناح‌ها کاملاً روشن بود: یافتن بهترین و کوتاه‌ترین راه‌ها برای رسیدن به مقصودی مشترک از راه گفت و شنود و تبادل افکار. با این تفاسیر اطلاعات می‌پندارد: حاصل کار وقتی چنین باشد، در واقع منعکس‌کننده خواست واقعی مردم نیز خواهد بود و لاجرم قوه مجریه و قوای دیگر نیز از این نتیجه بهره‌هایی به‌سزا خواهد برد (اطلاعات، ۱۹ مرداد ۱۳۵۶: ۶). باهری دبیر کل جدید حزب در اولین نطق حزبی خود وعده داد، تشکیلات و شیوه‌های حزبی اصلاح می‌شود. او اظهار کرد: حزب رستاخیز ملت ایران اجتماع همه کسانی است که به سه اصل، نظام شاهنشاهی، قانون اساسی و انقلاب شاه و ملت معتقد و وفادار هستند. سپس افزود: این حزب در حقیقت شکل سیاسی ملت ایران است و بستر حیات سیاسی جامعه ما به شمار می‌رود. برای ناظران و نیز مخالفان سیاسی، هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند که رژیم چگونه فضای باز سیاسی را در را تفسیر می‌کند، یعنی همه جریان‌های سیاسی کشور باید از کانال و مبادی حزب رستاخیز عبور و مجال ابراز داشته باشد.

روزنامه اطلاعات، هنگامی که فعالیت‌های حزب رستاخیز در قالب‌های گروهی در جهت رویکرد جدید گفتمان فضای باز برگزار شد، سازماندهی و تشکیل چنین گردهمایی‌ها را مثبت برآورد می‌نماید و معتقد است که به حزب امکان می‌دهد نقش فعال‌تری در مسائل جاری ایفا کند، همچنین فرصتی برای بحث و تبادل نظر پیرامون موضوعات روز به دست می‌دهد. روزنامه مذکور، مقام و شان حزب را ایجاد رابطه فکری میان طبقات مردم و مراجع تصمیم‌گیرنده مانند دولت و مجلس می‌داند. اطلاعات اما در عین حال با توجه به گفتمان جدید، از جمله آفت‌های فضای باز را کنترل یا محدودیت در اظهار عقیده در درون حزب می‌داند. زیرا بر این عقیده است، اجتماعات حزبی جای گفت و شنود و اظهار عقیده است. لذا از مسولان حزبی و دولتی توقع دارد از هر گونه اقداماتی که باعث آسیب‌رسانی به این فضا می‌شوند، پیشگیری و جلوگیری کنند. اما در طی دوران گفتمان فضای باز سیاسی، رابطه بین دولت و حزب، و حزب و مجلس، هرگز به روشنی تعریف نشد. اطلاعات نیز با تاکید بر این مسئله، از کارکرد و نحوه فعالیت حزب انتقاد می‌کند که چرا حزب در شرایط

فعلی فقط در نقش انتقال دهنده ظاهر شده و هیچ نقشی در مراحل اجرایی مصوبات ندارد، اطلاعات این عدم مداخله را با توجه به موقعیت حزب رستاخیز چندان کافی و قانع کننده ندانسته و آن را نشانه ضعف حزب می‌داند. اطلاعات استدلال می‌آورد که قبل از تصویب هر مصوبه‌ای، می‌بایست پیش از آن در حزب مورد بررسی قرار گیرد و پس از دریافت نظرات و نیز در نظر گرفتن نیازهای واقعی مردم لایحه دولت به مجلس برود، زیرا در تشکیلات سیاسی موجود، قوای ثلاثه زیر چتر حزب بوده و نمی‌توان، حزب و دولت و مجلس سه عامل جدا از یکدیگر باشند (اطلاعات، ۲۱ آبان ۱۳۵۶: ۶). زمانی که حزب رستاخیز رساله سیاسی‌اش در خصوص گفت‌وگوهای جدید فضای باز سیاسی را در قالب و چارچوب نگرشی رژیم منتشر کرد، اطلاعات از آن به عنوان مقدمه‌ای برای شروع بحث سازنده در تحلیل جنبه‌های مختلف فضای باز سیاسی کشور، نام برد. در این مقطع، حزب رستاخیز سعی کرد که اعضای خود را با اهداف سیاسی که در نظر داشت، هماهنگ سازد. بر این اساس به آموزش اعضایش در راستای اهداف سیاسی از پیش تعیین شده پرداخت، اما روزنامه اطلاعات بعد از گذشت مدتی در انتقاد از نحوه آموزش سیاسی حزب، زبان آموزش سیاسی حزب را غیر قابل درک برای اعضای عادی آن توصیف کرد و دلایل آن را، سطح پایین سواد سیاسی اعضای حزب و آموزش ناکافی سیاسی از گذشته برشمارد. اطلاعات، حزب را موظف دانست که زمینه‌های ذهنی و عینی آگاهی اعضای حزب درباره مصالح و منافع مملکتی و اجتماعی به حد معقول ارتقاء دهد. اطلاعات بر این باور بود، برای حزب ضرورت دارد به زبان آموزش سیاسی اعضا و میزان توانایی آنها در جذب آموزش-های سیاسی توجه بیشتری کند. اما، بین باهری دبیرکل حزب و آموزگار نخست‌وزیر در مورد استقلال حزب اختلاف پیش آمد، آموزگار شاه را متقاعد کرد که مجدداً نخست‌وزیری و دبیرکلی حزب در هم ادغام شوند (استمیل، ۱۳۷۷: ۶۰).

این مسئله فی‌نفسه تشکیل کنگره فوق‌العاده را به دنبال داشت. روزنامه اطلاعات در جهت اهداف رژیم، تشکیل کنگره فوق‌العاده حزب رستاخیز، را یکی از مهمترین مسئله سیاسی داخلی عنوان کرد و اصلی‌ترین نکته کنگره را مسئله ضرورت هماهنگی بیشتر میان حزب رستاخیز و دولت عنوان کرد. و مهمترین گام در این راه، ادغام مقام-

های نخست‌وزیری و دبیر کلی حزب رستاخیز برشمرد. اطلاعات، ادغام این دو مسئولیت را در شمار اهم آرمان‌های حزب قرار داد. اطلاعات این باور را داشت، که این اصل ایدئولوژیک یعنی هماهنگی حزب و دولت که می‌تواند وحدت ملی را تقویت و قوام ببخشد. زیرا حزب با برخورداری از امتیاز هماهنگی کامل با دولت این توانایی را خواهد داشت تا مردم را مستقیماً بدون هیچ واسطه‌ای در جریان مسائل سیاسی اجتماعی و تصمیمات کابینه بگذارد. این آگهی مستقیم، مسلماً می‌تواند بر علاقه‌مندی مردم نسبت به مسائل مملکتی بیفزاید و آنها را به اشتراک در انجام امور ترغیب کند. با اخراج باهری و روی کار آمدن آموزگار به عنوان دبیر کل حزب، آخرین ذره مشروعیت حزب رستاخیز نابود شد. پنج روز بعد نخستین قیام از رشته قیام‌های مذهبی در قم بوقوع پیوست. در دوران آشفتگی‌های فزاینده و مدام در سال ۱۳۵۷، حزب رستاخیز در امور سیاسی ایران هیچ نقشی بازی نکرد. این انفعال و ناکارآمدی حزب باعث شد که شاه در سخنرانی با وسایل ارتباط جمعی در مورد وقایع کشور در خصوص حزب رستاخیز اذعان کند: «حزب رستاخیز آن چیزی که اول فکر می‌کردیم نیست» (اطلاعات، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۷: ۱). با این نارضایتی شاه از حزب رستاخیز، سران جناح‌های حزب هر یک به بهانه‌ای استعفا دادند.

مسعودی، مدیر مسئول روزنامه اطلاعات با نوشتن مقاله‌ای به بررسی مسائل و آسیب‌شناسی حزب رستاخیز پرداخت؛ و نوشت که باید علت ناکامی حزب را در ارتباط با موضوع گفتمان فضای باز در عوامل مختلفی جست و جو کرد. او معتقد بود، حزب در آغاز تولد امیدهای بسیاری برانگیخت ولی در مسیر حرکت، نتوانست انتظارات را برآورده سازد و جناح‌ها نیز نتوانستند بستر فکری بشوند. مسعودی چهار عامل اصلی را برای ناکامی حزب عنوان کرد. نخست، ضعف حزب به علت عدم نظام عقیدتی و مرامی مشخص. دوم، عدم پویایی حزب در عمل به اصول و اهداف مورد نظر. سوم، شیوه تبلیغات نامناسب و ضعیف. چهارم، عدم مشارکت دادن اکثریت اعضا حزب در تصمیم‌گیری‌های درون حزبی و انفعال آنان. مسعودی در جمع‌بندی نهایی درباره آسیب‌شناسی و ناکامی حزب می‌افزاید، سرخوردگی مردم از ادعاهای حزب، به مرور زمان شکل گرفته و در آخر به یاس تبدیل شد. به عبارتی، قسمت‌های مسئول

حزب از جذب و جلب مردم بازماندند. زیرا در حقیقت مشارکت حزبی که در همه جا روی آن تاکید می‌شد به صورت گفت و شنود یک طرفه در آمد؛ یعنی گفت، از طرف اقلیت مسئولان حزبی، و شنود از طرف اکثریت اعضاء حزب (اطلاعات، ۸، تیر ۱۳۵۷: ۵). حزب رستاخیز بعد از حدود یک ماه، در زمان نخست‌وزیری شریف‌امامی عملاً منحل شد.

۵. لزوم مشارکت مردم

از دیگر شاخصه‌های گفتمان فضای باز سیاسی، که روزنامه اطلاعات بر بازتاب آن تاکید داشت در خصوص لزوم تشویق مردم به مشارکت در همه امور و شئون کشوری بود. هنگامی که جمشید آموزگار نخست‌وزیر جدید در ابتدای کار خود، از مردم خواست که در مسائل مهم کشوری مشارکت داشته باشند روزنامه اطلاعات، همزمان، به تبلیغ این رویکرد جدید در عرصه اجتماعی و سیاسی در عناوین و مطالب روزنامه پرداخت. اطلاعات در اولین مطلب در این خصوص از آن به عنوان ارزش سهم مردم ایران در پیش برد و تحقق اندیشه‌های انقلابی یاد کرد و آن را شرط باوری و رشد دموکراسی ملی به شمار آورد. روزنامه اطلاعات، بر اصل مشارکت و همکاری ملی در جهت اظهار نظر طبقات مختلف جامعه به عنوان انگیزه استقرار موازین دموکراسی، نظر داشت. بر این اساس، روزنامه طرحی با عنوان «دعوت عام اطلاعات» را مطرح کرد و یکی از قسمت‌های صفحات خود را همه روزه به آن اختصاص داد. در همین چارچوب از مردم برای ارائه نظرات خود در آن دعوت به عمل آورد. اطلاعات این رویکرد جدید دولت را فرصت مناسب خواند که مردم در آن به ابراز نظر و بیان ناقص و ارائه راه حل آنها، بپردازند. روزنامه اطلاعات همچنین این عمل را رسالت خود جهت ایجاد پیوند بیشتر مردم با سیاست ملی، برشمرد و به باورش از این طریق، بار دیگر نقش مطبوعاتی‌اش را برای پیشبرد مقاصد ملی به انجام خواهد رساند (اطلاعات، ۱۹ مرداد ۱۳۵۶: ۴).

روزنامه اطلاعات در خصوص لزوم مشارکت مردم، با استناد به سخنان آموزگار آن را نشانه بارزی از اعتقاد دولت به شرکت دادن مردم پیرامون مسایل مملکتی دانسته، از این رو با دیدی مثبت به این موضوع، مردم را تشویق به همکاری با دولت می‌کرد. این

روزنامه، در باب لزوم مشارکت مردم، بر این نکته تاکید دارد که دوره پنهانکاری درباره مسائل مربوط به مردم به سر آمده است. پس با اتکا به این موضوع، وظیفه و رسالت خود را به عنوان رکن چهارم مشروطیت، قائل به این می‌داند که بر مبنای آن واسطه ارتباط مستقیم میان دولت و مردم باشد. بر این اساس، برنامه خود را برای جلب نظر مساعد مردم در جهت مشارکت در امور کشور قرار داد. اطلاعات مدعی می‌شود در فاصله کوتاهی که از طرح این مسئله می‌گذرد مردم استقبال بسیاری نسبت به این قضیه مهم ابراز داشته‌اند. اطلاعات این موضوع را نشانه علاقه و امیدواری مردم برای از میان برداشتن فاصله مردم و دولت ارزیابی می‌کند. از سوی دیگر، بر این باور نیز هست که این نکته زمانی حائز اهمیت می‌تواند باشد که دولت و مسئولان در حفظ این امیدواری در دل مردم کوشا باشند به طوری که مردم از عمل و اجرای تعهدات دولت، اطمینان حاصل کنند. روزنامه اطلاعات، در خصوص ضرورت مشارکت دادن مردم، بر این مسئله تاکید دارد که با توجه به نگاه و توقع دولت و حزب رستاخیز از مشارکت مردم، که فقط در جهت حضور فعال در حزب و حمایت از برنامه‌های دولت و شرکت در انتخابات بسنده شده است، این رویه مقامات دولتی و حزب رستاخیز را یک طرفه می‌داند و از آن انتقاد کرده و آن را ناموفق توصیف می‌کند و معتقد است که این مناسبات باید متقابل و دو سویه باشد و مشارکت مردم می‌بایست در تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌یابی‌های اجرایی صورت گیرد و نه فقط نظاره‌گر باشند. در خاتمه برای تغییر این وضعیت و جلب مشارکت مردم، بهترین و اصلی‌ترین راهکار را تغییر رویکرد فکری و ساختاری مقامات مملکتی همچنین تغییر در شیوه‌های برخورد با مردم در نحوه شراکت آنان در تصمیمات سیاسی، اجتماعی را پیشنهاد می‌کند.

روزنامه اطلاعات، بر موضوع و مشکل دیوان سالاری در ارتباط با مسئله مشارکت مردم در امور، تصریح می‌کند. اطلاعات با انتقاد از شیوه‌های نامناسب و رایج دیوان سالاری در کشور آن را دلیلی مهم در عدم مشارکت مردم در همه امور می‌داند. این روزنامه، انواع قوانین و مقررات دست و پاگیر اداری و از استفاده روش‌های نامتعارف همه سازمان‌های دولتی را موجب تاثیر منفی و فزاینده‌ای در نحوه چگونگی مشارکت آنها در امور کشوری بر می‌شمارد. کاربرد به صراحت می‌گوید؛ نظام هیچوقت معنی و مفهوم

واقعی مشارکت بطور عمیق و بنیادی مطرح نگردیده که مردم چگونه و به چه ترتیب باید مشارکت داشته باشند. اما معتقد است، مشارکت باید به صورت دو طرفه و متقابل باشد. اما موانع بیشمار دیوان سالاری باعث سد پیشرفت‌های بیشتر و مشارکت عملی مردم در امور اجتماعی شود.

۶. آزادی قلم و بیان

هنگامی که دولت جمشید آموزگار در مجلس برنامه‌هایش را اعلام کرد، در فضای جدید سیاسی، نوید آزادی بیان و قلم را به همگان وعده داد و قول داد در تحکیم و تقویت آن در جامعه ایران ارج و حرمت گذارد و از مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی خواست که ضمن انعکاس مسائل و نظرات مردم، حقایق مربوط به پیشرفت‌های جامعه و اقتصاد ایران را نیز بازگو نماید. یکی از زیرشاخه‌های گفتمان فضای باز، آزادی محدود و تا حدودی کاهش سانسور مطبوعات بود که به درستی مسعود بهنود از آن به عنوان آزادی‌های قطره چکانی به مطبوعات یاد می‌کند (بهنود، ۱۳۶۶: ۷۵۷). در این برهه روزنامه اطلاعات توانست برخی از انتقادات مردم و نیز کم‌کاستی‌های جامعه را در روزنامه به چاپ برساند. اما برای این میزان از انتقادات نیز حدود معینی از اختیارات جهت جولان دادن و قلم‌رانی معین شده بود، همچنین جراید موظف بود از خطوط قرمز تعیین شده عبور و عدول نکند. از این‌گونه انتقادات به کرات در روزنامه اطلاعات درج و به چاپ رسید. برای نمونه در یکی از قسمت‌ها با عنوان: «فساد اداری را ریشه کن کنید» آمده است: «متأسفانه این مبارزه آن‌طور که باید و شاید دنبال نشد و فساد را به معنی واقعی ریشه‌کن نکردند، زیرا هم‌اکنون هستند کسانی که در سازمان‌های دولتی و در مشاغل مهم به خاطر منافع شخصی، به غارت و چپاول بیت‌المال مشغولند و به ریش‌بنده و جنابعالی می‌خندند» (اطلاعات ۲۶ مرداد ۱۳۵۶: ۹).

اما این آزادی آن آزادی بیان و قلمی نبود که مطبوعات در آغاز به کار دولت انتظار آن را داشتند. اطلاعات بعد از اعلام فضای سیاسی، آزادی مطبوعات را در چارچوب قانون اساسی و متمم آن دانسته، لذا، آزادی بیان و قلم، آزادی فکر و اندیشه را مثل آزادی‌های دیگر لازم شمرده و ممیزی را در همه این آزادی‌ها را ممنوع و محکوم

شناخته است. اما مهمترین مسئله برای جراید و همچنین روزنامه اطلاعات لایحه جدید قانون مطبوعات بود که می‌توانست صنف مطبوعات ادعا کنند که در فضای گفتمانی جدید آزادی بیان و قلم لحاظ و رعایت شده است. هنگامی که قانون جدید مطبوعات از سوی دولت به کمیسیون اطلاعات و جهانگردی مجلس ارائه شد، روزنامه اطلاعات با انتشار کامل مواد قانون جدید مطبوعات که از سوی دولت تهیه شده بود، از کلیه صاحب نظران و طرفداران آزادی مطبوعات دعوت کرد که در این نظر خواهی شرکت کنند و نظرات خود را برای روزنامه اطلاعات ارسال دارند. اما این لایحه مطبوعاتی دولت، باعث سرخوردگی اهالی مطبوعات شد. اطلاعات در ادامه این دعوت‌نامه گزارشی تهیه کرده و آورد؛ بیش از یک ماه از انتشار متن قانون جدید مطبوعات در اطلاعات می‌گذرد. مقرر شد، صاحب‌نظران نسبت به مفاد آن را مورد بررسی قرار دهند. اما تا کنون فقط یکی دو مورد از سوی صاحب‌نظران پاسخ ارائه شده است. این سکوت مسلماً سکوت رضا نیست، بیشتر می‌توان آن را به سکوت ناشی از حیرت تلقی کرد، حیرت از این رو که قانون پیشنهادی اخیر نه تنها جامع و کامل ارائه نشده، بلکه هیچ کدام از اختیارات مطبوعاتی و انتشاراتی داخلی و بین‌المللی را در بر نمی‌گیرد (اطلاعات ۱۱ تیر ۱۳۵۷: ۱۲). روزنامه اطلاعات، ضمن انتقاد از لایحه مزبور آن را از نظر حفظ منافع و مصالح مطبوعات پر ایراد و نادرست خواند و بیان داشت: لایحه جدید مطبوعات نمی‌تواند حافظ آزادی مطبوعات باشد. زیرا، قانون جدید مطبوعات، سعی در اختناق مطبوعات و سلب آزادی قلم و بیان روزنامه‌نویسان را دارد. این روزنامه بر این باور است، در قلمرو مطبوعات، باید قانونی طوری باشد که کنترل دولت را در مطبوعات منع کند، سانسور را لغو کند و آزادی بر طبق قانون اساسی، به جمیع انتشارات باز گرداند. اما، آزادی مطبوعات موقوف به وجود مطبوعات مستقل است. مطبوعاتی که راه و هدف مشخص داشته باشد. احمد احرار از روزنامه‌نگاران و منتقدان مطبوعاتی آن برهه، در خصوص قانون جدید و در کل وضعیت مطبوعات در زمان نخست‌وزیری آموزگار با وجود اعلام گفتمان فضای جدید، ضمن انتقاد از وضعیت مطبوعات با عبارتی گویا حال و روز مطبوعات آن دوره را مشخص بیان می‌دارد: «پرو بال ما شکستند

و در قفس گشودند، چه رها چه بسته مرغی که پرش بریده باشد!» (اطلاعات، ۵، مرداد ۱۳۵۷: ۶).

برگزاری شب‌های شعر در محل انستیتو گوته، رویدادی مهم بود. اطلاعات با دیده مثبت از این رویداد فرهنگی و ادبی که بعد از سال‌ها برگزار می‌شود، استقبال می‌کند، در این خصوص می‌آورد، از هجدهم تا ۲۷ مهر ماه تهران شاهد یک اتفاق ادبی در انستیتو گوته خواهد بود. اتفاقی که طی سالیان پیش مشتاقان فراوانی را گرد می‌آورد. اطلاعات بر این نظر است، شب‌های نویسندگان و شاعران ایران، با خواندن آثار و اشعارشان شب‌های دل‌انگیزی را برای دوستداران این وادی رقم خواهند زد. اطلاعات سپس، جدول زمانبندی برنامه‌های شب‌های شعر را کامل و به تفکیک اجرای، منتشر کرد. اطلاعات این رویداد را برای جامعه ادبی و هنری فرصتی مناسب می‌بیند و گرد آوری نویسندگان و شعرای نواندیش و پیشروی امروز ایران حرکتی سالم به سوی یک فرهنگ سالم تفسیر می‌کند (اطلاعات، ۱۲ مهر ۱۳۵۶: ۲۴).

اطلاعات در خصوص استقبال مردم از برگزاری اولین شب از سری شب شعر در باشگاه انجمن ایران و آلمان آن را خوب ارزیابی کرد و در گزارش خود از این گره‌مایی نوشت: «نخستین شب نویسندگان و شاعران ایران برگزار شد در باغ بزرگ باشگاه نزدیک به سه هزار نفر گرد آمده بودند». اطلاعات حتی انتقاد سیمین دانشور را در مورد آزادی هنرمند یادآور شد که اظهار کرده بود حمایت دولتی از هنر مدرن که بخشی از آن برای مردم سخت نامفهوم است کمکی به هنر راستین (سستی) نخواهد کرد، را درج کرد (اطلاعات، ۱۹ مهر ۱۳۵۶: ۴). اطلاعات دومین شب نویسندگان و شاعران را با حضور جمع زیادی از علاقمندان در باشگاه انجمن ایران و آلمان توصیف کرد و نظر سخنران اول جلسه که بر ضرورت آزادی قلم و بیان واقعی تاکید فراوان شده بود را در فحوای متن نوشتاری با اشاره‌ای واضح، اصل مطلب را به خواننده القاء و انتقال داد (اطلاعات، ۲۰ مهر ۱۳۵۶: ۴).

اما، از شب دوم به بعد اطلاعات دیگر هرگز مطلبی در خصوص شب شعر منتشر نکرد. به عبارتی دیگر اجازه انتشار گزارش درباره شب‌های شعر را نداشت. در شب‌های بعدی، شاعران و نویسندگان به شعر خوانی و سخنرانی پرداختند که محور بسیاری از

آنها موضوعات سیاسی و انتقاد از فشارها و سرکوب‌های حکومت بود و رنگ و بوی انقلابی داشت استقبالی که از شب‌های شعر به عمل آمد طی سیزده سال پیش از آن بی- سابقه بود این اقدام نتایج مورد نظر شاه و دولت آموزگار را برآورده نکرد. کانون نویسندگان با استفاده از همین آزادی اندک که تصور می‌شد شاه از روی اجبار و تحت فشارهای خارجی به آن تن در داده بر فعالیت‌های خود افزودند. کانون نویسندگان ایران که با اعلام فضای باز سیاسی تجدید حیات یافته بود، با برپایی شب شعر، در عمل به اهل قلم فرصتی داد تا از سانسور و اختناق سخن بگویند که این خود به حرکتی جسورانه بر ضد حکومت تبدیل شد. همچنین این گردهمایی فرصتی فراهم آورد تا کانون نویسندگان ایران، ندای آزادی اندیشه و قلم و آزادی اجتماعات را در فضای بازتر به گوش مردم برساند (حافظیه، ۱۳۸۶: ۳۲۹). پس از سال‌ها اختناق، اعتراضات سخن-گویان را در زمینه شیوه‌های سرکوب‌گرانه حکومت در سلب آزادی‌ها به ویژه در بستن زبان و قلم می‌شنیدند و با آن‌ها هم صدا می‌شدند. استقبال گسترده مردم از این برنامه، زنگ خطری جدی برای حکومت به صدا درآورد.

۷. مسئله حقوق بشر

یکی دیگر از شاخص‌های گفتمان فضای باز، مسئله رعایت حقوق بشر است. اما این شاخصه با توجه به خطوط قرمزی که از سوی نهادهای امنیتی رژیم برای مطبوعات و به ویژه اطلاعات تعیین کرده بود، اطلاعات و دیگر جرایم به هیچ وجه نتوانستند به ارائه مطلبی با دیدگاه خود به آن بپردازند. با توجه به تبلیغ گفتمان فضای باز سیاسی از سوی رژیم، در آذر ۱۳۵۶ با الهام از مسئله حمایت از حقوق بشر، جمعیت طرفداران آزادی و حقوق بشر تشکیل گردید. روز ۹ آذر، کمیته مزبور طی نامه‌ای به عنوان دبیرکل سازمان ملل، ضمن اشاره به گزارش‌های ناظران و مقامات و مراجع بین‌المللی درباره نقض حقوق بشر و توضیح موارد آن در ایران به طور مشروح، خواستار یاری سازمان ملل در تحقق آزادی و دموکراسی در ایران شده بود. روزنامه اطلاعات اما خبری از تشکیل کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر، همچنین متن نامه آنها به دبیرکل سازمان ملل کوچکترین اشاره‌ای ندارد. فقط در گزارشی با عنوان؛ نامه طرفداران حقوق بشر در ایران، از زبان

وزیر خارجه وقت، که توضیحات کلی و یک‌طرفه است، ارائه می‌دهد. اطلاعات از اظهارات خلعتبری وزیر خارجه وقت در جریان بازدید دبیر کل سازمان ملل از ایران گزارش داد: هدف این به اصطلاح مدافعان حقوق بشر تجدید وضع گذشته برای زنان و دهقانان و دیگر گروه‌های جامعه ایرانی است و این به خوبی طرز تفکر و برداشت‌های چهره واقعی این مدافعان حقوق بشر را نشان می‌دهد (اطلاعات، ۲۵ دی ۱۳۵۶). این در حالی بود که رژیم خود مدعی دفاع از حقوق بشر بود و ادعا داشت، جمعی از حقوق‌دانان مجلسین سنا و شورای ملی، کمیته پارلمانی دفاع از حقوق بشر را در سال ۱۳۵۵ تشکیل دادند و تمام اصول حقوق بشر در قانون کشور به ویژه ۱۸ اصل متمم قانون اساسی از اصل هشتم تا ۲۱۵ مربوط به حقوق ملت ایران همه‌گونه تساوی افراد و آزادی‌های فردی و اجتماعی و مطبوعاتی و سیاسی و اقتصادی را منظور داشته است. و حفظ حقوق بشر را به مرحله کمال رعایت کرده است. رژیم برای حفظ ظاهر در روز جهانی حقوق بشر، سلسله همایش‌هایی را بدین منظور ترتیب داد. پیرو مذاکرات و تفاهم نامه‌هایی که رژیم با سه نهاد بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، از جمله سازمان عفو بین‌المللی، کمیته حقوق‌دانان و صلیب سرخ جهانی، از اواخر سال ۱۳۵۵ به امضاء رسانده بود. در سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۶ اجازه بازدید از وضع زندان‌ها و شرایط زندانیان، شرکت در جلسات دادگاه و نحوه محاکمات و دادرسی مخالفین سیاسی و مصاحبه با فعالین و مدافع حقوق بشر، در ایران را صادر کرد (اطلاعات، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۷: ۲۸). شاه در این راستا به تغییر رئیس سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) نیز مبادرت ورزید و نصیری را برکنار و مقدم که چهره‌ای دموکراتیک‌تر بود، به جای او منصوب کرد. این عزل و نصب‌ها در محافل سیاسی خارجی به عنوان نتایج قسمتی از اقداماتی تلقی گردیده است که از طرف دولت ایران برای بسط آزادی‌های سیاسی آغاز کرده، تعبیر شد. یکی دیگر از اقدامات دولت آموزگار برای کاهش فشار سیاسی و تبلیغ فضای باز سیاسی در ایران و نیز در مجامع بین‌المللی، آزادی زندانیان سیاسی بود. چنانچه روزنامه اطلاعات در خصوص این تغییر رویکرد حکومت به بزرگ‌نمایی آزادی زندانیان سیاسی با تیتراهای بزرگ به انعکاس آن می‌پردازد. اما اطلاعات فقط آن قسمت از متن دستوری و از پیش تعیین شده در خصوص ابراز پشیمانی و تقاضای بخشش زندانیان

سیاسی مزبور توسط دولت را به چاپ می‌رساند. در تأیید مطالب فوق اطلاعات در خصوص آزادی زندانیان سیاسی، گزارش داده است: «یک کارشناس وزارت امور خارجه امریکا در امور مربوط به ایران اظهار داشته است که تعداد زندانیان ضد امنیتی در ایران در سال گذشته به میزان یک هزار و پانصد نفر کاهش یافته و موضوع توسعه حقوق بشر در ایران روبه بهبود است، وی گفت: در حال حاضر دو هزار و دویست زندانی ضد امنیتی در ایران وجود دارد» (اطلاعات، ۷ آبان ۱۳۵۶: ۳۶). این روزنامه با توجه به مناسبت‌های گوناگون حکومتی که رژیم به آزادی زندانیان سیاسی مبادرت می‌ورزید، این اقدامات را در چارچوب گشایش‌های فرایند فضای باز سیاسی ارزیابی می‌کرد. در همین راستا، رژیم در این برهه، از زندانیان سیاسی کسی را اعدام نکرده، دست به یک سلسله اقدامات نمایشی در زندان‌ها زد، که مهمترین آنها برچیدن اتاق‌های بازپرسی و دادن امکانات ملاقات خانواده زندانیان با آنها و ایجاد وسایل رفاهی همچون کتابخانه و سالن ورزش بود.

جدول شماره ۱: تعداد زندانیان امنیتی آزاد شده در دوران نخست‌وزیری آموزگار به

روایت روزنامه اطلاعات

تاریخ	مناسبت	تعداد زندانیان آزاد شده
۲۷ مرداد ۱۳۵۶	سالگرد قیام ملی (۲۸ مرداد)	۳۴۳
۳۰ مهر ۱۳۵۶	تولد محمدرضا شاه	۱۳۱
۱۴ آذر ۱۳۵۶	سالروز اعلامیه حقوق بشر	۲۱
۲۷ اسفند ۱۳۵۶	تولد رضا شاه و عید نوروز	۴۰
مجموع	-	۵۳۵

۸. اجازه محدود به فعالیت‌های احزاب سیاسی

سازمان‌های سیاسی قدیم و جدید نیز با مشاهده پیدایش و فعالیت گروه‌های طرفدار حقوق بشر، کم‌کم به صحنه آمدند، سنجابی، فروهر و بختیار، جبهه ملی را با عنوان اتحاد نیروهای ملی احیا کردند، بازرگان هم نهضت آزادی را احیا کرد. حزب توده نیز از زندگی مخفی خود دوباره خارج شد و برخی از شبکه‌های حزبی خود را بازسازی

کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۶۲۲). رژیم با آزاد گذاشتن گروه‌های غیر مسلح مخالف، وسایلی فراهم آورد که جناح مذهبی خودی بنمایانند. در این میان، هم‌صدایی و همگامی دانشگاهیان و گروه‌های سیاسی با جناح مذهبی (طرفداران آیت‌الله خمینی) مخالف رژیم بود، متحد می‌شوند. اما، هنگامی که جبهه ملی چهارم، می‌خواست اجتماع حزبی خود را رسماً تشکیل دهد، رژیم در همان ابتدا اجتماعشان را در کاروان سنگی به هم ریخت. اطلاعات از این اجتماع به عنوان اجتماعی ضد ملی و میهنی نام برد. اطلاعات آنها را گروهی که در ایجاد حوادث دو هفته اخیر در دانشگاه‌ها و مراکز عالی آموزش نقش موثری داشته‌اند، معرفی کرده و اجتماع آنها را فقط در جهت، ایراد نطق و خطابه، پخش اعلامیه‌های تحریک‌آمیز، شعارهای ضد میهنی توصیف کرد. اطلاعات همچنین حمله به اصطلاح جمعی از کارگران کارخانجات به گردهمایی جبهه ملی را که از محل اجتماع مذکور می‌گذشتند را به حساب غرور ملی آنها می‌گذارد و در دفاع از آنها می‌گوید: هنگامی شعارهای آنها را که حاوی مطالب ضد ملی و مسائل ضد میهنی بوده، شنیدند با آنها درگیر و به زدو خورد پرداختند (اطلاعات، ۲ آذر ۱۳۵۶: ۴).

اما در واقع این کارگران از ماموران ساواک بودند، رژیم قصد داشت در همان آغاز راه ضرب شستی نشان دهد، بلکه آنان را دوباره به سکوت مجبور کند. رژیم همچنین قصد داشت تا به ارباب جناح مذهبی طرفدار امام خمینی (ره) نیز اقدامی مشابه انجام دهد، از این رو، عوامل حاکمیتی شروع به تهیه مقاله‌ای برای درهم کوبیدن و فرو ریختن ابهت جناح موسوم به تندروهای مذهبی، شدند. مقاله با عنوان «ایران و استعمار سرخ سیاه» با امضای مجهول احمد رشیدی مطلق در اطلاعات به چاپ رسید (اطلاعات، ۱۷ دی ۱۳۵۶: ۷) این مقاله باعث قیام ۱۹ دی قم و سایر قیام‌های مرتبط با آن که به صورت چهل‌م شهدا برگزار می‌شود، در سراسر کشور شد. این حادثه عامل بسیار مهمی شد که جناح مذهبی مصمم‌تر از همیشه به سرنگونی شاه معطوف شود. رژیم هرگز نتوانست عواقب و تبعات بعدی این اشتباه بزرگ را جبران و کنترل نماید. این حرکت ضد مردمی، پرده از ماهیت وجودی رژیم برداشت و بی‌اعتباری فضای باز سیاسی را نمایان ساخت.

نتیجه‌گیری

بازتاب فضای بازسیاسی در ایران در دوره نخست‌وزیری جمشید آموزگار در اواخر پهلوی دوم، بستر تازه و شرایط جدیدی را برای خبررسانی و پویایی نسبی مطبوعات ایجاد کرد. شرایط مذکور فعالیت مطبوعات در خصوص انعکاس گفتمان جدید در این دوران را پراهمیت می‌کرد. این تحول گفتمانی نیز به میزان محدود که رژیم اجازه می‌داد در نوشتار و گفتار روزنامه اطلاعات به عنوان یکی از مهمترین روزنامه‌های آن زمان انعکاس یافت. این گفتمان جدید در مطالب و مقالات روزنامه اطلاعات، در قالب یک سری ویژگی‌های خاص گفتمانی تا حدودی مجال بروز و ظهور می‌یافت. همچنین گفتمان جدید مزبور سعی داشت که بر افکار عمومی جامعه تاثیر بگذارد و جامعه را به سوی اهداف مد نظر خود سوق دهد. هرچند که در نهایت امر، به علل و عواملی مختلف از توفیق به این مهم باز ماند. رژیم پهلوی دوم با توجه به یک سری تحولات و فشارهای بین‌المللی و داخلی مجبور به ایجاد فضای باز سیاسی شد. از این رو، رویکرد «دمکراسی و مردم» که توسط دولت آموزگار به کار گرفته شد به گره‌گاهی مبدل شد که گفتمان فضای باز سیاسی حول آن مفصل‌بندی شد. انقلاب شاه و مردم، تجدید سازمان حزب رستاخیز، مشارکت مردم در امور کشور، حقوق بشر، آزادی بیان و قلم و اجازه فعالیت محدود به احزاب سیاسی، شاخصه‌هایی بودند که گفتمان فضای باز سیاسی حول محور گره‌گاه «دمکراسی و مردم» مفصل‌بندی شدند.

منابع

استمپل، جان دی. (۱۳۷۷). *درون انقلاب ایران*، ترجمه: منوچهر شجاعی، تهران: نشر رسا.

اطلاعات از تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۵۶، شماره ۱۵۳۸۱ تا ۲۴ مرداد ۱۳۵۷، شماره ۱۵۶۸۷. امینی، علی اکبر. (۱۳۹۰). *گفتمان ادبیات سیاسی ایران در آستانه دو انقلاب*، تهران: نشر اطلاعات.

آبراهامیان، پرواندا. (۱۳۸۶). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه: احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.

بهروز لک، غلامرضا. (۱۳۸۶). کاربرد تحلیل‌های گفت‌وگویی در مطالعات اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق.

بهنود، مسعود. (۱۳۶۶). دولت‌های ایران از سید ضیاء تا بختیار، تهران: انتشارات جاویدان.

پهلوی، محمدرضا. (۱۳۵۵). به سوی تمدن بزرگ، تهران: نشر پیتا.

حافظیه، علی. (۱۳۸۶). پیر کاغذی، تهران: آبا.

خانکی، هادی. (۱۳۷۷). «درآمدی بر رابطه میان نظام اجتماعی و مطبوعات و تحلیل گفت‌وگو»، گفت‌وگو، گفت‌وگو، ش ۲.

خلجی، عباس. (۱۳۸۶). «ناسازگاری‌های نظری ناکامی سیاسی گفت‌وگو اصلاح طلبی»، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران.

سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). «تحلیل گفت‌وگو به مثابه نظریه و روش»، فصل‌نامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۲۸.

شکری، احمد. (۱۳۸۹). تحولات سیاسی و اقتصادی نخست‌وزیری آموزگار، تهران: امیرکبیر.

صدرایی، رقیه. (۱۳۹۷). «تحلیل گفت‌وگو در مجموعه اشعار شاملو»، متن پژوهی ادبی، سال ۲۲، شماره ۷۵.

عاقلی، باقر. (۱۳۷۴). نخست‌وزیران ایران، تهران: انتشارات جاویدان.

لاکلا، ارنست. (۱۳۷۷). «گفت‌وگو»، ترجمه حسینعلی نوذری، فصل‌نامه گفت‌وگو، شماره صفر.

لاکلا، ارنستو و موفه، شانتال. (۱۹۸۵). هژمونی و استراتژی سوسیالیستی، ترجمه: محمد رضایی، تهران: ثالث.

محمدزاده، محمدجعفر. (۱۳۹۳). دانشنامه مطبوعات ایران، ج ۱، تهران: نشر دانشنامه مطبوعات ایران.

مک‌دانل، دایان. (۱۳۷۷). «مقدمه‌ای بر نظریات گفت‌وگو»، ترجمه: حسینعلی نوذری، فصل‌نامه گفت‌وگو، شماره ۲.

الموتی، مصطفی. (۱۳۷۱). *بازیگران سیاسی از مشروطیت تا سال ۱۳۵۷*. لندن: پکا.
نجاتی، غلامرضا. (۱۳۷۱). *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران*، ج ۲، تهران: رسا.
نجمی، ناصر. (۱۳۷۳). *بازیگران سیاسی عصر رضاشاهی و محمدرضاشاهی*، تهران:
انتشارات انیشتین.
یحیایی، احمد. (۱۳۸۹). «*تحلیل گفتمان چیست*»، تحقیقات روابط عمومی.

۲۰۰

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره (سال) ۱۱،

شماره ۳، پیاپی

۴۲، پاییز ۱۴۰۰